

دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین در خصوص عوامل و موانع مؤثر در کارآفرینی و اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی

بهمن خسروی پور^۱ و زهره منجم‌زاده^{۲*}

۱، ۲، استادیار و کارشناس ارشد دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین، خوزستان

(تاریخ دریافت: ۸۸/۱۰/۱۵ - تاریخ تصویب: ۸۹/۱۰/۲۹)

چکیده

پژوهش حاضر، پژوهشی پیمایشی و با هدف شناسایی دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین در خصوص عوامل و موانع مؤثر در میزان کارآفرینی و اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی انجام گرفته است. اطلاعات حاصل از بررسی دیدگاه ۱۱۴ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد از مجموع ۱۳۵ نفر دانشجویان این مقطع در این دانشگاه که با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری و از طریق نرم‌افزار spss توصیف و تحلیل شده، نشان داد که از دیدگاه اکثریت دانشجویان مهمترین عامل تأثیرگذار در تصمیم‌گیری برای ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد عدم وجود فرصت‌های مناسب اشتغال و مهمترین عامل تأثیرگذار در انتخاب رشته کشاورزی قبولی در این رشته در کنکور بوده، همچنین تأکید بر مطالب عملی و کاربردی علاوه بر دروس نظری و افزایش ساعات آرایه دروس عملی در دانشگاه‌ها مهمترین عوامل اثرگذار در کارآفرینی دانش‌آموختگان کشاورزی قلمداد گردیده است. عدم اطلاع از بازار کار متناسب با رشته تحصیلی و سطح نامناسب دانش و مهارت‌های تجربی و شغلی دانش‌آموختگان کشاورزی به ترتیب مهمترین موانع کارآفرینی و اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی بوده‌اند. همچنین نتایج حاصل از مقایسه میانگین‌ها نشان داد که بین دیدگاه دانشجویان بر حسب جنسیت، رشته تحصیلی، نوع پذیرش و سال ورودی در خصوص میزان اهمیت هر یک از عوامل مؤثر بر کارآفرینی دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: چالش‌ها، کارآفرینی، اشتغال، دانش‌آموختگان، تحصیلات تکمیلی.

مقدمه

غذایی اختصاص می‌یابد که از دلایل عمده آن می‌توان به پایین بودن سطح دانش و اطلاعات فنی بهره‌برداران، دست‌اندرکاران و شاغلان بخش کشاورزی به دلیل عدم بهره‌مندی از دانش و فنون علمی و عملی اشاره نمود. از سوی دیگر بر اساس آمارهای موجود حدود ۱۶۰ هزار دانش‌آموخته رشته‌های مختلف کشاورزی در کشور حضور دارند که از این تعداد ۳۵ هزار نفر هنوز به دنبال

با توجه به رشد جمعیت در سال‌های اخیر در ایران نیز مانند سایر نقاط دنیا بخش کشاورزی اصلی‌ترین منبع تأمین و حفظ امنیت غذایی محسوب گردیده و ایفاگر نقش تعیین‌کننده‌ای در نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور می‌باشد. در ایران سالانه بخش عمده‌ای از بودجه کشور به واردات عمده مواد

کار و ۵۵ هزار نفر هم در بخش‌های غیرمرتبط به فعالیت مشغولند (Soleymanpoor & Hoseeini, 2006). از این رو گرچه به دلیل پیشرفت‌های مختلف صورت گرفته در علوم و فن آوری کشاورزی و راهکارهای نوین در تولیدات کشاورزی زمینه‌های بسیاری برای کارآفرینی و اشتغال دانش‌آموختگان آموزش‌عالی این بخش وجود دارد اما هم‌چنان تعداد بسیاری از آنان بیکارند. بنابراین با توجه به اهمیت بخش کشاورزی از یک سو و همچنین وجود خیل عظیم دانش‌آموختگان کشاورزی آموزش‌عالی و لزوم به کارگیری این منبع عمده جهت تأمین نیازهای کشور به مواد غذایی و ایجاد اشتغال برای این گروه، پژوهش حاضر بر آن است تا با شناخت عوامل مؤثر در کارآفرینی دانش‌آموختگان آموزش‌عالی به عنوان نهادی در تربیت نیروی انسانی کارآفرین کشاورزی و همچنین موانع کارآفرینی به عنوان راهکاری در جهت ایجاد اشتغال پیش روی این دانش‌آموختگان در بخش کشاورزی به تشخیص موانع اشتغال دانش‌آموختگان در بخش کشاورزی پرداخته و راهکاری مناسب برای این معضل پیدا کند.

در این راستا اعتقاد بر این است که آموزش کارآفرینی به ویژه در مؤسسات آموزش‌عالی و سطح دانشگاه‌ها می‌تواند نقش بسیار عمده‌ای در پیشرفت رشد اقتصادی و ایجاد شغل داشته باشد. در واقع مؤسسات آموزش‌عالی و نقش آموزشی آنها در تربیت دانش‌آموختگانی کارآفرین به خصوص از طریق ایجاد ارتباط بین دانشجویان و افراد کارآفرین، ایجاد مشارکت و فعالیت اقتصادی جدید، از طریق راهی که بتوانند مهارت‌ها، ظرفیت و توانایی و نگرش و دیدگاه ویژه خود را در زمینه کارآفرینی توسعه بخشند، از اهمیت بسزایی برخوردار است. محققان همچنین در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که تفاوت معنی‌داری بین دیدگاه دانشجویان سال اول با دیدگاه دانشجویان سال‌های بالاتر در خصوص برخی از عوامل مؤثر بر کارآفرینی هم‌چون بهبود رقابت در برقراری ارتباطات، خوداتکایی و اعتماد به نفس، افزایش ارائه دروس در خصوص مهارت‌های عملی وجود دارد (Carvalho et al., 2008).

برخی نیز به اهمیت آموزش کارآفرینی در آموزش‌عالی اشاره نموده و بیان می‌کنند آموزش کارآفرینی به ایجاد و افزایش شغل کمک می‌کند، رقابت‌پذیری را افزایش می‌دهد، توانایی‌های بالقوه را به بالفعل تبدیل نموده، موجب بهبود برقراری ارتباطات، تحرک یادگیری به سمت و سوی مدیریت مشاغل می‌گردد، بهبود ایجاد مشاغل و در رشد و بهبود وضعیت اجتماعی - اقتصادی جامعه بسیار مؤثر است. همچنین به این نکته اشاره می‌کنند که آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها باید مرتبط با دیدگاه‌های فرهنگی دانشجویان باشد و منجر به افزایش فعالیت و جنبش دانشجویان گردد (de Lurdes Calisto & Afonso, 2008).

در پژوهشی نتایج حاکی از آن بود که مهمترین موانع اشتغال در بخش کشاورزی عبارتند از محدود بودن فرصت‌های اشتغال، عدم حمایت دولت از دانش‌آموختگان کشاورزی، عدم ارتباط مراکز آموزش‌عالی کشاورزی با بخش کشاورزی، پایین بودن سطح دانش و مهارت‌های شغلی دانش‌آموختگان و عدم علاقه آنان به مشاغل بخش کشاورزی. همچنین یافته‌های این پژوهش نشان داد که قابلیت‌ها و توانایی‌های مدرسان، تغییر و بهبود محتوای آموزشی، تجهیز مراکز آموزشی، تغییر در نحوه جذب و پذیرش دانشجو و بهبود سازماندهی و تشکیلات مراکز آموزش‌عالی، ارائه درس کارآفرینی در برنامه درسی، استفاده از مدرسان کارآفرینی در کنار مدرسان دروس تخصصی، تشکیل مراکز کارآفرینی به منظور ارتقای روحیه کارآفرینی و ایده‌سازی و ایده‌یابی، متناسب نمودن سرفصل دروس با مقوله کارآفرینی، وجود مدرسان تخصصی به صورت ثابت و تمام وقت در مراکز، تدوین کتب آموزشی در زمینه کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای کوچک، ارائه آموزش در زمینه خلاقیت، نوآوری و ایده‌یابی، تشکیل هسته مشاوره شغلی در مراکز و ارتباط مستمر با دانشجو، برگزاری مسابقات و نمایشگاه‌های مختلف مرتبط با موضوع کارآفرینی جهت شناسایی دانشجویان کارآفرین و برگزاری سمینار و نشست‌های کارآفرینی به منظور تغییر دانش و معرفت در دانشجویان از جمله مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار به شمار می‌روند. همچنین به این نتیجه دست یافتند که بین سن دانش‌آموختگان و عوامل مؤثر بر کارآفرینی در سطح یک درصد و بین سابقه شغلی و تمایل به ادامه

کار و ۵۵ هزار نفر هم در بخش‌های غیرمرتبط به فعالیت مشغولند (Soleymanpoor & Hoseeini, 2006). از این رو گرچه به دلیل پیشرفت‌های مختلف صورت گرفته در علوم و فن آوری کشاورزی و راهکارهای نوین در تولیدات کشاورزی زمینه‌های بسیاری برای کارآفرینی و اشتغال دانش‌آموختگان آموزش‌عالی این بخش وجود دارد اما هم‌چنان تعداد بسیاری از آنان بیکارند. بنابراین با توجه به اهمیت بخش کشاورزی از یک سو و همچنین وجود خیل عظیم دانش‌آموختگان کشاورزی آموزش‌عالی و لزوم به کارگیری این منبع عمده جهت تأمین نیازهای کشور به مواد غذایی و ایجاد اشتغال برای این گروه، پژوهش حاضر بر آن است تا با شناخت عوامل مؤثر در کارآفرینی دانش‌آموختگان آموزش‌عالی به عنوان نهادی در تربیت نیروی انسانی کارآفرین کشاورزی و همچنین موانع کارآفرینی به عنوان راهکاری در جهت ایجاد اشتغال پیش روی این دانش‌آموختگان در بخش کشاورزی به تشخیص موانع اشتغال دانش‌آموختگان در بخش کشاورزی پرداخته و راهکاری مناسب برای این معضل پیدا کند.

در این راستا اعتقاد بر این است که آموزش کارآفرینی به ویژه در مؤسسات آموزش‌عالی و سطح دانشگاه‌ها می‌تواند نقش بسیار عمده‌ای در پیشرفت رشد اقتصادی و ایجاد شغل داشته باشد. در واقع مؤسسات آموزش‌عالی و نقش آموزشی آنها در تربیت دانش‌آموختگانی کارآفرین به خصوص از طریق ایجاد ارتباط بین دانشجویان و افراد کارآفرین، ایجاد مشارکت و فعالیت اقتصادی جدید، از طریق راهی که بتوانند مهارت‌ها، ظرفیت و توانایی و نگرش و دیدگاه ویژه خود را در زمینه کارآفرینی توسعه بخشند، از اهمیت بسزایی برخوردار است. محققان همچنین در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که تفاوت معنی‌داری بین دیدگاه دانشجویان سال اول با دیدگاه دانشجویان سال‌های بالاتر در خصوص برخی از عوامل مؤثر بر کارآفرینی هم‌چون بهبود رقابت در برقراری ارتباطات، خوداتکایی و اعتماد به نفس، افزایش ارائه دروس در خصوص مهارت‌های عملی وجود دارد (Carvalho et al., 2008).

برخی نیز به اهمیت آموزش کارآفرینی در آموزش‌عالی اشاره نموده و بیان می‌کنند آموزش

همچنین از بین موانع آموزشی، ضعف ارتباط بین بخش آموزش و بخش اجرا، نارسایی در آموزش‌های کاربردی و نیز عدم کسب تجربه عملی کافی توسط دانش‌آموختگان در طول تحصیل، از بین موانع مربوط به بخش کشاورزی، عدم احساس نیاز به دانش‌آموختگان از سوی بهره‌برداران، نیاز به سرمایه‌گذاری اولیه بالا، و عدم امنیت کافی سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، از بین موانع دولتی و سیاست‌گذاری، عدم وجود برنامه‌ریزی بلندمدت و سرمایه‌گذاری‌های زیر بنایی در زمینه اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی، ناعادلانه بودن معیارهای استخدام و عدم توجه کافی دولت به سیاست‌های اشتغال‌زایی و از بین موانع اجتماعی - فرهنگی، گرایش فارغ‌التحصیلان به اشتغال در شهرها، افزایش تقاضا برای تحصیل در دانشگاه‌ها، و وجود توقعات غیر اصولی در اذهان فارغ‌التحصیلان از جمله مهمترین موانع شناخته و به ترتیب در ردیف‌های اول تا سوم هر گروه قرار داده‌اند. علاوه بر این تجزیه و تحلیل‌های آماری نشان داد که بین متغیر وضعیت شغلی با متغیرهای جنسیت، دانشگاه محل تحصیل و تاریخ فراغت از تحصیل رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح یک درصد و با رشته تحصیلی رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح پنج درصد وجود دارد (Barabadi, 2008).

در پژوهشی نیز محققان به ارزیابی جایگاه و اهمیت آموزش کارآفرینی در مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه‌ها در اروپا پرداخته، بیان می‌کنند مقایسه‌ها و تفاوت‌ها شامل تفاوت در تعریف کارآفرینی و دیدگاه افراد مختلف در این خصوص، ارتباط مشاغل و دانشگاه‌ها، کیفیت برنامه‌های آموزش کارآفرینی و نقش کارآفرینی در دانشگاه‌هاست (Wilson, 2008).

در نهایت، با توجه به اهمیت بخش کشاورزی به عنوان یکی از عمده‌ترین بخش‌های اقتصادی در تولید و پیشرفت کشور، می‌توان گفت که افزایش میزان کارآفرینی و اشتغال دانش‌آموختگان از طریق شناخت و رفع موانع و مشکلات پیش روی آنان در آموزش عالی به ویژه در بخش تحصیلات تکمیلی می‌تواند موجب افزایش و بهبود بهره‌وری دانش‌آموختگان و توسعه کشور گردد. با توجه به اهمیت این موضوع، لزوم بررسی عوامل و

تحصیل و عوامل مؤثر بر کارآفرینی در سطح پنج درصد رابطه معنی‌داری وجود دارد. نتایج آزمون t نیز نشان داد که بین دیدگاه دانشجویان دختر و پسر و مجرد و متأهل در خصوص عوامل مؤثر بر کارآفرینی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. نتایج آزمون تحلیل واریانس نشان داد بین دیدگاه دانشجویان رشته‌های مختلف در خصوص عوامل مؤثر بر کارآفرینی تفاوت معنی‌داری وجود دارد (Khosravipoor et al., 2007).

همچنین برخی از پژوهشگران در پژوهش خود بیان داشتند که پویایی محیطی، ارائه خدمات آموزشی رایگان، بخشودگی مالیاتی و معافیت از عوارض گمرکی برای واردات تجهیزات فنی، اعطای وام‌های کم بهره و یارانه‌های دولتی، از عوامل تأثیرگذار بر کارآفرینی می‌باشند. همچنین موانع کارآفرینی را در شش دسته سیاست‌گذاری، اقتصادی، پشتیبانی، آموزشی و ترویجی، زیرساختی و فرهنگی تقسیم نموده و تعیین مقررات بیش از حد دولتی، نرخ بالای مالیات‌ها و افزایش تورم را از مهمترین موانع کارآفرینی عنوان کرده‌اند. همچنین در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که عوامل سیاسی - حمایتی، اقتصادی، اکولوژیکی، پویایی محیطی و اطلاعاتی از مهمترین عوامل مؤثر بر موفقیت کارآفرینان واحدهای تولیدی خواهد بود (Moradinejadi et al., 2008).

از دیگر نتایجی که می‌توان به آن اشاره نمود این است که بین درآمد پدر دانش‌آموختگان با موفقیت شغلی آنان همبستگی منفی و معنی‌دار و بین میزان رضایت از دروس اصلی و اختصاصی کشاورزی با موفقیت شغلی آنان همبستگی مثبت و معنی‌دار وجود دارد (Hemmati et al., 2007).

همچنین محققان به این نتیجه دست یافتند که داوطلبانی که رشته کشاورزی را در اولویت قرار داده‌اند تجربه، مشاهده و شناخت و نگرش بهتری نسبت به رشته کشاورزی داشته‌اند (Shahvali & Noori pur, 2007).

برخی نیز بر اساس نتایج به دست آمده موانع دولتی و سیاست‌گذاری، موانع مربوط به بخش کشاورزی، موانع آموزشی و موانع اجتماعی - فرهنگی را به ترتیب در اولویت‌های اول تا چهارم موانع کارآفرینی قرار داده‌اند.

(فراوانی، درصد، درصد تجمعی و معتبر، میانگین) و استنباطی (روش‌های آزمون T-test جهت بررسی تفاوت بین دیدگاه دانشجویان بر حسب متغیرهای جنسیت و نوع پذیرش و تحلیل واریانس (ANOVA) جهت بررسی تفاوت بین دیدگاه دانشجویان بر حسب متغیرهای رشته تحصیلی و سال ورودی در ارتباط با میزان اهمیت هر یک از عوامل مؤثر بر کارآفرینی و مدل بوریچ به منظور تعیین اولویت هر یک از موانع پیش روی دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی کشاورزی در کارآفرینی و اشتغال) و با استفاده از نرم‌افزار SPSS^۲ انجام شده است.

جامعه آماری پژوهش شامل دانشجویان پنج گروه آموزشی ماشین‌های کشاورزی، ترویج و آموزش کشاورزی، باغبانی، علوم دامی و زراعت و اصلاح نباتات در مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد در سال تحصیلی ۸۷-۸۸ دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی رامین است که در مجموع ۱۳۵ نفر بوده‌اند. با توجه به حجم جامعه آماری و استفاده از جدول تاکن، حجم نمونه ۱۰۳ نفر تعیین گردید که به منظور افزایش ضریب اطمینان به ۱۱۴ نفر افزایش یافت. در این تحقیق به منظور انتخاب نمونه‌های آماری از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شد.

متغیر وابسته این پژوهش عبارت از نمره‌ای است که هر کدام از دانشجویان در سطح فاصله‌ای و از صفر (به منزله کمترین میزان تأثیر) تا ۱۰ (به منزله بیشترین میزان اثرگذاری) به هر کدام از عوامل مؤثر در کارآفرینی دانش‌آموختگان کشاورزی داده‌اند. این نمره بیانگر دیدگاه دانشجویان در ارتباط با میزان اهمیت و تأثیر هر یک از عوامل در کارآفرینی است. متغیرهای جنسیت، نوع دوره، سال ورود به دانشگاه و رشته تحصیلی به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شدند.

سؤالاتی که در این پژوهش مد نظر بوده و پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به آنها بوده عبارتند از:

- آیا بین دیدگاه دانشجویان بر حسب جنسیت، نوع پذیرش، رشته تحصیلی و سال ورود به دانشگاه در ارتباط با میزان اهمیت هر یک از عوامل مؤثر بر

موانع مؤثر در میزان کارآفرینی و اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی ضروری است. بنابراین، این پژوهش به این موضوع پرداخته و نتایج آن می‌تواند نقش مهمی در بهبود وضعیت کارآفرینی و اشتغال دانش‌آموختگان به همراه داشته باشد.

هدف کلی پژوهش حاضر شناسایی دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین در خصوص عوامل و موانع مؤثر در میزان کارآفرینی و اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی است. اهداف اختصاصی پژوهش نیز عبارتند از:

- اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر کارآفرینی دانش‌آموختگان کشاورزی
- اولویت‌بندی موانع کارآفرینی و اشتغال دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی کشاورزی با استفاده از مدل بوریچ از دیدگاه دانشجویان

مواد و روش‌ها

با توجه به اهداف مورد نظر، پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت، کمی، به لحاظ هدف از نوع کاربردی و به لحاظ گردآوری داده‌ها پیمایشی محسوب می‌گردد. در این پژوهش از پرسشنامه به عنوان ابزار گردآوری داده‌های مورد نیاز استفاده شده که اعتبار صوری آن با نظرخواهی از چند تن از استادان و صاحب‌نظران دانشگاه تأیید گردیده است. به منظور تعیین قابلیت اعتماد ابزار پژوهش آزمون مقدماتی از طریق تکمیل ۴۰ پرسشنامه توسط دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عمل آمد و برای هر بخش از پرسشنامه به طور مجزا ضریب آلفای کرونباخ^۱ محاسبه گردید. آلفای محاسبه شده برای عوامل مؤثر در کارآفرینی دانش‌آموختگان کشاورزی، موانع کارآفرینی دانش‌آموختگان در بخش کشاورزی و موانع اشتغال دانش‌آموختگان در بخش کشاورزی هر یک به ترتیب ۰.۹۱، ۰.۸۹ و ۰.۹۳ به دست آمد. میانگین آلفای محاسبه شده برای پرسش‌های مختلف پرسشنامه ۰.۹۱ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی مطلوب پرسشنامه طراحی شده می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر در دو سطح آمار توصیفی

همچنین بر اساس یافته‌های پژوهش (جدول ۲) مهمترین عوامل تأثیرگذار در انتخاب رشته کشاورزی توسط پاسخگویان به ترتیب اولویت عبارت بودند از قبولی در این رشته در کنکور، علاقه به کار کشاورزی، توصیه والدین یا دوستان و آشنایان و اشتغال اعضای خانواده به فعالیت‌های کشاورزی و وجود شرایط اشتغال در آینده.

جدول ۲- مهمترین عامل در تصمیم برای انتخاب رشته کشاورزی

عامل تأثیرگذار در انتخاب رشته	فراوانی	درصد
علاقه به کار کشاورزی	۳۳	۲۸/۹
قبولی در این رشته در کنکور	۵۱	۴۴/۷
توصیه والدین یا دوستان و آشنایان	۱۷	۱۴/۹
اشتغال اعضای خانواده به فعالیت‌های کشاورزی و وجود شرایط اشتغال در آینده	۱۰	۸/۸
بدون جواب	۳	۲/۶
جمع	۱۱۴	۱۰۰

اولویت‌بندی میزان اهمیت عوامل مؤثر در کارآفرینی دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی از دیدگاه پاسخگویان

طبق اطلاعات جدول (۳) عواملی چون تأکید بر مطالب عملی و کاربردی علاوه بر دروس نظری و افزایش ساعات ارایه دروس عملی در دانشگاهها، اطلاع‌رسانی در مورد وضعیت بازار کار و آینده شغلی، به روز کردن اطلاعات مدرسان، متناسب بودن محتوای دروس با نیاز بازار کار و ایجاد روحیه کاری و کارآفرینی در مراکز آموزش عالی کشاورزی به ترتیب اولویت‌های اول تا پنجم را به خود اختصاص داده و در گروه اول از لحاظ اهمیت جای گرفته‌اند. همچنین عواملی مانند همکاری و حمایت از دانشجویان در اجرای پروژه‌ها، افزایش علاقه به علم و فناوری و کاربست آن در زندگی واقعی در برنامه‌ریزی در مراکز آموزش عالی کشاورزی، ارایه آموزش‌های ضمن خدمت (بازآموزی) برای مدرسان رشته‌های کشاورزی و تشکیل هسته مشاوره شغلی در مراکز آموزش عالی کشاورزی در گروه سوم و در اولویت‌های انتهایی جای گرفتند. عواملی که در گروه دوم اولویت‌بندی شدند نیز از اهمیتی متوسط

کارآفرینی دانش‌آموختگان تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟
- مهمترین عامل در تصمیم پاسخگویان برای ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد چه بوده است؟
- مهمترین عامل در تصمیم پاسخگویان برای انتخاب رشته کشاورزی چه بوده است؟

نتایج و بحث

در مجموع ۱۱۴ پرسشنامه توسط دانشجویان تکمیل و برگشت داده شد. از این تعداد ۴۰/۳۵ درصد (۴۶ نفر) دانشجوی پسر و ۵۶/۶۵ درصد (۶۸ نفر) نیز دانشجوی دختر بوده‌اند. همچنین ۶۴/۹۱ درصد (۷۴ نفر) دانشجوی دوره روزانه و ۳۵/۰۸ درصد (۴۰ نفر) دانشجوی دوره شبانه بودند. بر اساس یافته‌های پژوهش دانشجویان ورودی به دانشگاه به ترتیب در سال‌های تحصیلی ۱۳۸۵، ۸۶ و ۸۷ به ترتیب ۲۳/۷ درصد (۲۷ نفر)، ۳۰/۷ درصد (۳۵ نفر) و ۴۵/۶ درصد (۵۲ نفر) بودند. به لحاظ رشته تحصیلی ۱۷/۵ درصد (۲۰ نفر) در رشته ترویج و آموزش کشاورزی، ۲۳/۷ درصد (۲۷ نفر) در رشته زراعت، ۱۴ درصد (۱۶ نفر) در رشته باغبانی، ۲۸/۹ درصد (۳۳ نفر) در رشته علوم دامی و ۱۵/۸ درصد (۱۸ نفر) در رشته ماشین‌های کشاورزی به تحصیل اشتغال داشتند.

نتایج پژوهش (جدول ۱) نشان داد که از دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی مهمترین عامل تأثیرگذار در تصمیم‌گیری برای ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد عدم وجود فرصت‌های مناسب اشتغال می‌باشد. علاقه به ادامه تحصیل و عدم رضایت از دانسته‌های علمی در مقطع کارشناسی نیز در اولویت‌های بعدی جای گرفتند. در این زمینه نتایج پژوهش شاه‌ولی و نوری‌پور (۱۳۸۶) و زراعت پرور (۱۳۸۳) نیز مؤید همین نتیجه است.

جدول ۱- مهمترین عامل در تصمیم پاسخگویان برای ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد

عامل تأثیرگذار در ادامه تحصیل	فراوانی	درصد
علاقه به ادامه تحصیل	۴۰	۳۵/۱
عدم وجود فرصت‌های مناسب اشتغال	۵۳	۴۶/۵
عدم رضایت از دانسته‌های علمی در مقطع کارشناسی	۱۶	۱۴
بدون جواب	۵	۴/۴
جمع	۱۱۴	۱۰۰

Mohmmadzadeh Vasrabadi و Faraji (2004) (2004) مطابق دارد. توصیه می‌شود با دقت بیشتر در طراحی محتوای دروس رشته‌های مختلف دانشگاهی، تلاش شود تا میزان تناسب محتوای دروس با شغل و نیازهای بازار کار به حداکثر رسیده و ضمن تأکید بر مطالب عملی و کاربردی در موضوعات درسی، به انطباق آنها با پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی روز هم توجه جدی شود.

نزد دانشجویان برخوردار بودند. لازم به ذکر است، میانگین هر یک از عوامل مؤثر بر کارآفرینی بر مبنای میزان اهمیتی که هر دانشجو برای هر کدام از عوامل با دادن نمره ای از صفر تا ۱۰ به آن عامل قائل شده، محاسبه گردیده است. علاوه بر این، تقسیم‌بندی عوامل به سه گروه، با در نظر گرفتن میانگین عوامل و به منظور دسته‌بندی و بررسی بهتر میزان اهمیت و تأثیر آنها صورت پذیرفته است. که با نتیجه پژوهش (Khosravipoor et al. (2007

جدول ۳- اولویت‌بندی میزان اهمیت عوامل مؤثر در کارآفرینی دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی از دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد

گروه	رتبه	عوامل مؤثر در کارآفرینی دانش‌آموختگان	میانگین رتبه‌ای	انحراف معیار	ضریب تغییرات
گروه اول	۱	تأکید بر مطالب عملی و کاربردی علاوه بر دروس نظری و افزایش ساعات ارائه دروس عملی در دانشگاهها	۸/۶۴	۰/۸۴	۰/۰۹۷
	۲	اطلاع‌رسانی در مورد وضعیت بازار کار و آینده شغلی	۸/۱۱	۰/۷۷	۰/۰۹۵
	۳	به روز کردن اطلاعات مدرسان	۸/۴۳	۰/۷۱	۰/۰۸۴
	۴	متناسب بودن محتوای دروس با نیاز بازار کار	۸/۵۹	۰/۶۸	۰/۰۷۹
	۵	ایجاد روحیه کاری و کارآفرینی در مراکز آموزش عالی کشاورزی	۸/۰۹	۰/۰۹	۰/۰۱۳
	۶	ایجاد نگرش مثبت نسبت به آینده در دانشجویان	۸/۰۲	۰/۰۵	۰/۰۱۳
	۷	آموزش‌های مهارت‌های کسب و کار و خوداشتغالی دانشجویان	۷/۹۳	۰/۱۴	۰/۰۱۴
گروه دوم	۸	ارایه مطالب جدید در زمینه موضوع درسی	۷/۸۱	۰/۲۰	۰/۰۱۵
	۹	استفاده از مدرسان آشنا و علاقه مند به مفاهیم و مباحث کشاورزی	۷/۷۲	۰/۲۳	۰/۰۱۶
	۱۰	کفایت آزمایشگاه‌ها، کارگاه ها و امکانات موجود برای تجارب عملی	۷/۶۶	۰/۲۲	۰/۰۱۶
	۱۱	اطلاع‌رسانی در مورد وضعیت اشتغال و اشتغال زایی	۷/۵۲	۰/۳۳	۰/۰۱۷
	۱۲	آموزش در زمینه مهارت‌های کار کردن با دیگران	۷/۴۷	۰/۲۹	۰/۰۱۷
	۱۳	برگزاری دوره‌های آموزش کارآفرینی برای مدرسان مراکز آموزش عالی کشاورزی	۷/۲۵	۰/۲۴	۰/۰۱۷
	۱۴	ایجاد احساس نیاز و اهمیت یادگیری در تمام مراحل زندگی	۷/۵۶	۰/۳۷	۰/۰۱۸
گروه سوم	۱۵	برنامهریزی جهت اجرای کارگاه ها و برگزاری سمینارها و نشست‌های کارآفرینی	۷/۳۲	۰/۴۱	۰/۰۱۹
	۱۶	برنامهریزی جهت بازدید از شرکت ها و سازمان های کارآفرین موفق و مرتبط	۷/۲۷	۰/۵۶	۰/۰۲۱
	۱۷	ایجاد نگرش مثبت نسبت به آینده در مدرسان	۷/۶۰	۰/۶۸	۰/۰۲۲
	۱۸	همکاری و حمایت از دانشجویان در اجرای پروژه ها	۷/۶۹	۰/۷۷	۰/۰۲۳
	۱۹	افزایش علاقه به علم و فناوری و کاربست آن در زندگی واقعی در برنامه‌ریزی در مراکز آموزش عالی کشاورزی	۷/۲۱	۰/۷۳	۰/۰۲۳
	۲۰	ارایه آموزش‌های ضمن خدمت (بازآموزی) برای مدرسان رشته‌های کشاورزی	۷/۴۱	۰/۸۳	۰/۰۲۴
	۲۱	تشکیل هسته مشاوره شغلی در مراکز آموزش عالی کشاورزی	۷/۳۷	۰/۰۱	۰/۰۲۷

است وضعیت موجود و مطلوب جهت شناسایی موانع کارآفرینی دانش‌آموختگان کشاورزی تعیین گردید. بدین ترتیب برای هر عامل دو امتیاز محاسبه گردید که یکی گویای وضعیت موجود هر یک از موانع کارآفرینی و دیگری بیانگر وضعیت مطلوب هر یک از موانع بود. با استفاده از فرمول بوریچ، اولویت هر کدام از عوامل از دیدگاه دانشجویان مشخص شده و نیازسنجی در

تعیین اولویت موانع کارآفرینی دانش‌آموختگان در بخش کشاورزی با استفاده از مدل بوریچ جهت تعیین اولویت هر یک از موانع کارآفرینی دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی در بخش کشاورزی با توجه وضعیت موجود و مطلوب از مدل بوریچ استفاده گردید. در این مدل از طریق دادن نمره صفر که بیانگر بدترین وضعیت تا ۱۰ که بیانگر بهترین وضعیت بوده

بوده که نیاز به توجه و بررسی جهت رفع آنها به شدت احساس شده است. عواملی نیز مانند عدم تأکید و استفاده از روش‌های سنتی آموزش و استفاده صرف از روش‌های مدرس محور به جای استفاده از روش‌های دانشجو محور، مدرک گرایی بین دانشجویان و عدم استفاده از برخی نیروها و مدرسان غیر متخصص در امر تدریس و ناآشنا به مسایل و ماهیت دروس کشاورزی به عنوان موانعی که از دیدگاه پاسخگویان چندان مانع جدی تلقی نمی‌شوند در اولویت‌های انتهایی جدول جای گرفتند. نتیجه پژوهش (Moradnejadi et al. (2008, Moghani, Azizi (2005), Salehi Omran (2006) و (zadh (1999) و (Kivinen & Ahola (1999) نیز مؤید این نتیجه است.

خصوص بررسی و رفع موانع صورت گرفت. فرمول بوریچ به صورت زیر می‌باشد:

حجم نمونه/وضعیت مطلوب (وضعیت موجود-وضعیت مطلوب) = اولویت
بر اساس یافته‌های به دست آمده در جدول (۴) موانعی چون عدم اطلاع از بازار کار متناسب با رشته تحصیلی، عدم برنامه‌ریزی آموزشی مبتنی بر قابلیت‌ها و علائق دانشجویان، عدم تناسب آموخته‌های دانش‌آموختگان با نیاز بازار کار، عدم اختصاص بودجه و اعتبارات کافی به خصوص برای انجام فعالیت‌های پژوهشی در دانشگاه و توان عملی و مهارتی مدرسان در انتقال صحیح و کامل مطالب جدید، کارآمد، مفید و عملی از جمله مهمترین و جدی‌ترین موانعی اولویت‌بندی شده از سوی دانشجویان تحصیلات تکمیلی

جدول ۴- اولویت‌بندی موانع بر مبنای نیاز به برطرف شدن

ردیف	موانع کارآفرینی دانش‌آموختگان در بخش کشاورزی	نمره اولویت
۱	عدم اطلاع از بازار کار متناسب با رشته تحصیلی	۰/۷۸
۲	عدم برنامه‌ریزی آموزشی مبتنی بر قابلیت‌ها و علائق دانشجویان	۰/۷۰
۳	عدم تناسب آموخته‌های دانش‌آموختگان با نیاز بازار کار	۰/۶۳
۴	عدم اختصاص بودجه و اعتبارات کافی به خصوص برای انجام فعالیت‌های پژوهشی در دانشگاه	۰/۶۱
۵	ناتوانی عملی و مهارتی مدرسان در انتقال صحیح و کامل مطالب جدید، کارآمد، مفید و عملی	۰/۵۶
۶	عدم توجه به یادگیری مهارت‌های عملی در دانشگاه	۰/۵۵
۷	عدم وجود منابع اطلاعاتی و اطلاع‌رسانی مناسب در خصوص کارآفرینی در بخش کشاورزی	۰/۵۲
۸	عدم آشنایی مدرسان کشاورزی با مبانی علمی کارآفرینی	۰/۴۹
۹	عدم وجود امکانات و تجهیزات مورد نیاز کارهای عملی دانشجویان	۰/۴۷
۱۰	عدم برگزاری دوره‌های آموزشی در خصوص تفکر خلاق در دانشکده‌های کشاورزی	۰/۴۳
۱۱	عدم تناسب سرفصل دروس با مقوله کارآفرینی	۰/۴۲
۱۲	عدم وجود مهارت‌های ویژه در اساتید برای ایجاد انگیزه و پرورش تفکر خلاق در دانشجویان	۰/۴۰
۱۳	عدم به کارگیری ملاک‌ها و معیارهای صحیح به منظور گزینش دانشجویان رشته‌های مختلف کشاورزی	۰/۳۹
۱۴	عدم وجود انگیزه کار در بخش کشاورزی در میان دانش‌آموختگان	۰/۳۶
۱۵	عدم هماهنگی و ارتباط بین مدرسان رشته‌های مختلف با توجه به پیوستگی فعالیت‌های بخش کشاورزی	۰/۳۵
۱۶	عدم وجود نظام ارزشیابی مطلوب در مراکز آموزش عالی کشاورزی	۰/۳۱
۱۷	عدم برقراری ارتباط مناسب و مستمر با کارآفریان موفق جهت آشناسازی فراگیران با تجارب این گروه	۰/۳۰
۱۸	عدم برگزاری دوره‌های آموزشی مورد نیاز برای مدرسان مراکز آموزش عالی کشاورزی	۰/۲۸
۱۹	عدم وجود امکانات و منابع مورد نیاز جهت عینی کردن مطالب و درک بهتر آن‌ها	۰/۲۶
۲۰	عدم وجود فلسفه آموزش کارآفرینانه در بخش کشاورزی	۰/۲۴
۲۱	نامناسب بودن نگرش بین مسئولان، مدرسان و دانشجویان دانشگاه نسبت دروس کشاورزی	۰/۲۳
۲۲	عدم اختصاص درس کارآفرینی در بخش کشاورزی برای دانشجویان این رشته	۰/۲۱
۲۳	عدم وجود روحیه کار گروهی در بین دانشجویان و دانش‌آموختگان	۰/۱۸
۲۴	عدم توجه به جنسیت در پذیرش دانشجویان در رشته‌های مختلف کشاورزی	۰/۱۷
۲۵	ناتوانی علمی مدرسان در انتقال صحیح و کامل مطالب جدید، کارآمد، مفید و کاربردی	۰/۱۵
۲۶	استفاده صرف از روش‌های مدرس محور به جای استفاده از روش‌های آموزشی متناسب با محتوای درسی	۰/۱۴
۲۷	عدم مدرک گرایی بین دانشجویان	۰/۱۰
۲۸	استفاده از برخی نیروها و مدرسان غیر متخصص در امر تدریس و ناآشنا به مسایل و ماهیت دروس کشاورزی	۰/۱۰

تفاوت بین دیدگاه دانشجویان دختر و پسر در ارتباط با میزان اهمیت هر یک از عوامل مؤثر بر کارآفرینی دانش‌آموختگان

نتایج جدول شماره شش حاکی از آن است که بین دیدگاه دانشجویان دختر و پسر مقطع کارشناسی ارشد در ارتباط با میزان اهمیت عواملی از جمله اطلاع‌رسانی در مورد وضعیت بازار کار و آینده شغلی، تأکید بر مطالب عملی و کاربردی علاوه بر دروس نظری و افزایش ساعات ارابه دروس عملی در دانشگاه‌ها و اطلاع‌رسانی در مورد وضعیت اشتغال و اشتغال‌زایی در سطح پنج درصد تفاوت معنی‌داری وجود داشته است. همانطور که ملاحظه می‌شود میزان اهمیت عوامل برشمرده برای دانشجویان پسر با توجه به نقش آنان به عنوان نان‌آوران خانواده بیشتر از دانشجویان دختر می‌باشد، از این رو، با توجه به تأثیری که متغیر جنسیت بر دیدگاه دانشجویان به همراه دارد، می‌توان به این نتیجه دست یافت که در زمان اختصاص مدت زمان دوره‌های آموزشی، مد نظر قرار دادن جنسیت آنان و در نظر گرفتن زمان بیشتر برای آموزش دانشجویان پسر می‌تواند تأثیر به‌سزایی در زندگی آتی و افزایش عملکرد آنان به همراه داشته باشد. نتیجه به دست آمده با نتیجه پژوهش Khosravipoor et al. (2007) مطابقت دارد.

تعیین اولویت موانع اشتغال دانش‌آموختگان در بخش کشاورزی با استفاده از مدل بورپیچ

جهت اولویت‌بندی موانع اشتغال دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد کشاورزی بر مبنای میزان نیاز به رفع هر یک از موانع نیز از طریق سنجش وضعیت موجود و مطلوب اشتغال دانش‌آموختگان از مدل بورپیچ استفاده گردید. در این اولویت‌بندی نیز انتخاب نمره صفر بیانگر بدترین وضعیت و ۱۰ بیانگر بهترین وضعیت از دیدگاه پاسخگویان در خصوص هر یک از موارد بوده است.

پاسخگویان موانعی از جمله سطح دانش و مهارت‌های تجربی و شغلی دانش‌آموختگان کشاورزی، وجود فرصت‌های شغلی در بخش کشاورزی و نیاز به سرمایه به منظور فراهم آوردن مقدمات شغلی در بخش کشاورزی، حمایت لازم دولتی از (مانند وام، ثبت شرکت و غیره) دانش‌آموختگان بخش کشاورزی و تناسب میان ظرفیت پذیرش دانشجویان با تقاضای بازار کار کشاورزی را از مهمترین موانع اشتغال دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی بیان کردند. همچنین قوانین تجاری گمرکی و بازرگانی و گرایش به کار گروهی را از کم‌اهمیت‌ترین موانع برشمردند که نیاز به بررسی و رفع آنها خیلی جدی نمی‌باشد. (جدول ۵) که نتیجه به دست آمده با نتیجه پژوهش (Barabadi (2008). Khosravipoor et al. (2007) و (Sokeymanpoor et al. (2006) مطابقت دارد.

جدول ۵- اولویت‌بندی موانع اشتغال دانش‌آموختگان در بخش کشاورزی

ردیف	موانع اشتغال دانش‌آموختگان	نمره اولویت
۱	سطح پایین دانش و مهارت‌های تجربی و شغلی دانش‌آموختگان کشاورزی	۰/۸۳
۲	عدم وجود فرصت‌های شغلی در بخش کشاورزی	۰/۷۹
۳	عدم وجود سرمایه کافی به منظور فراهم آوردن مقدمات شغلی در بخش کشاورزی	۰/۷۱
۴	عدم حمایت لازم دولتی از (مانند وام، ثبت شرکت و غیره) دانش‌آموختگان بخش کشاورزی	۰/۶۶
۵	عدم تناسب میان ظرفیت پذیرش دانشجویان با تقاضای بازار کار کشاورزی	۰/۶۲
۶	تلاش برای کسب مشاغل دولتی و عدم توسعه کارایی‌های خصوصی در بخش کشاورزی	۰/۵۷
۷	عدم تناسب دروس ارائه شده در دانشکده‌های کشاورزی با نیازهای بازار کار	۰/۵۰
۸	رکود اقتصادی	۰/۴۹
۹	عدم علاقه به مشاغل بخش کشاورزی	۰/۴۵
۱۰	عدم آگاهی دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشکده‌های کشاورزی از آخرین دستاوردها و نتایج تحقیقاتی کشاورزی	۰/۴۴
۱۱	عدم ارتباط مراکز آموزش عالی کشاورزی با بخش‌های اجرایی و تحقیقاتی کشاورزی	۰/۳۶
۱۲	عدم زمینه‌سازی جهت اشتغال در بخش خصوصی	۰/۳۳
۱۳	ناکارایی مراکز آموزش عالی کشاورزی در تربیت دانش‌آموختگانی کارآفرین و توانمند	۰/۲۸
۱۴	عدم توجه به فرهنگ کارآفرینی در بخش کشاورزی	۰/۲۷
۱۵	عدم اعتقاد و اعتماد کشاورزان به دانش کارشناسان و دانش‌آموختگان کشاورزی	۰/۲۳
۱۶	عدم ارتباط مراکز آموزش عالی کشاورزی با کشاورزان	۰/۲۰
۱۷	عدم وجود قوانین صریح تجاری گمرکی و بازرگانی	۰/۱۹
۱۸	عدم گرایش به کار گروهی	۰/۱۸

جدول ۶- تفاوت بین دیدگاه دانشجویان دختر و پسر در ارتباط با میزان اهمیت هر یک از عوامل مؤثر بر کارآفرینی دانش‌آموختگان

ردیف	متغیر	میانگین		آماره t	سطح معنی‌داری
		پسر	دختر		
۱	اطلاعرسانی در مورد وضعیت بازار کار و آینده شغلی	۸/۴۳	۷/۳۵	۲/۴۶	۰/۰۳۲*
۲	تأکید بر مطالب عملی و کاربردی علاوه بر دروس نظری و افزایش ساعات ارایه دروس عملی در دانشگاه‌ها	۸/۲۱	۷/۲۲	۱/۹۸	۰/۰۲۴*
۳	اطلاعرسانی در مورد وضعیت اشتغال و اشتغال‌زایی	۸/۳۷	۷/۶۴	۲/۰۵	۰/۰۱۷*

* معنی‌داری در سطح ۰/۰۵

قبل پرداخت شهریه، از دوره‌های آموزشی در دانشگاه بهره‌مند شوند که با نیاز بازار کار هماهنگ بوده، بتواند نیازهای آنان به مطالب عملی و کاربردی را پوشش داده و به خوبی مهارت‌های کسب و کار و خوداشتغالی را به آنان منتقل نماید و این همه میسر نخواهد شد مگر با در نظر داشتن تدابیری چون بالا بردن کیفیت تدریس مدرسان رشته‌های کشاورزی از طریق ارایه آموزش‌های مختلف از جمله آموزش‌های ضمن خدمت و یا استفاده از همکاری دانشجویان در اجرای پروژه‌های مختلف علمی و تحقیقاتی (جدول ۷).

تفاوت بین دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد در ارتباط با میزان اهمیت هر یک از عوامل مؤثر بر کارآفرینی دانش‌آموختگان بر حسب رشته تحصیلی بین دیدگاه دانشجویان رشته‌های مختلف در ارتباط با دو عامل ایجاد روحیه کاری و کارآفرینی در مراکز آموزش عالی کشاورزی و ایجاد نگرش مثبت نسبت به آینده در دانشجویان تفاوت آماری معنی‌داری در سطح پنج درصد مشاهده شده است (جدول ۸).

نتیجه پژوهش Khosravipoor et al. (2007) نیز مؤید همین نتیجه است.

تفاوت بین دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد در ارتباط با میزان اهمیت هر یک از عوامل مؤثر بر کارآفرینی دانش‌آموختگان بر حسب نوع پذیرش (روزانه - شبانه)

متغیر نوع پذیرش توانسته است بین دیدگاه دانشجویان دوره‌های روزانه و شبانه هنگام اولویت دهی به عواملی از جمله تأکید بر مطالب عملی و کاربردی علاوه بر دروس نظری و افزایش ساعات ارایه دروس عملی در دانشگاه‌ها، متناسب بودن محتوای دروس با نیاز بازار کار، همکاری و حمایت از دانشجویان در اجرای پروژه‌ها، ارایه آموزش‌های ضمن خدمت (بازآموزی) برای مدرسان رشته‌های کشاورزی و آموزش‌های مهارت‌های کسب و کار و خوداشتغالی دانشجویان در سطح پنج درصد تفاوت آماری معنی‌داری ایجاد کند. مقایسه میانگین دانشجویان نشان داد که در شاخص‌های معنی‌دار شده، میانگین میزان اهمیت برای دانشجویان دوره‌های شبانه بالاتر از دوره‌های روزانه بوده است و این نتیجه نشان از اهمیت بیشتر این شاخص‌ها برای دانشجویان شبانه دارد. روشن است که هزینه تحصیل در دوره‌های شبانه نسبت به هزینه‌های دوره روزانه بسیار بیشتر است. بنابراین، انتظار دانشجویان انتظار دارند در

جدول ۷- تفاوت بین دیدگاه دانشجویان روزانه و شبانه در ارتباط با میزان اهمیت هر یک از عوامل مؤثر بر کارآفرینی دانش‌آموختگان

ردیف	متغیر	میانگین		آماره t	سطح معنی‌داری
		روزانه	شبانه		
۱	تأکید بر مطالب عملی و کاربردی علاوه بر دروس نظری و افزایش ساعات ارایه دروس عملی در دانشگاه‌ها	۸/۴۷	۹/۲۷	۲/۲۷	۰/۰۲۷*
۲	متناسب بودن محتوای دروس با نیاز بازار کار	۸/۳۶	۹/۳۱	۲/۱۴	۰/۰۴۲*
۳	همکاری و حمایت از دانشجویان در اجرای پروژه‌ها	۸/۲۹	۹/۲۴	۲/۲۲	۰/۰۱۷*
۴	ارایه آموزش‌های ضمن خدمت (بازآموزی) برای مدرسان رشته‌های کشاورزی	۸/۳۰	۹/۰۰	۲/۳۷	۰/۰۳۵*

* معنی‌داری در سطح ۰/۰۵

جدول ۸- تفاوت بین دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد در ارتباط با میزان اهمیت هر یک از عوامل مؤثر بر کارآفرینی دانش‌آموختگان بر حسب رشته تحصیلی

شخص‌ها	منبع واریانس	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معنی‌داری
۱	ایجاد روحیه کاری و کارآفرینی در مراکز آموزش عالی کشاورزی	۶۱۲/۷۷	۱۱۱	۲/۴۷	۱/۹۷	۰/۰۴۳*
۲	ایجاد نگرش مثبت نسبت به آینده در دانشجویان	۵۸/۴۲	۱۱۱	۳/۱۷	۲/۵۴	۰/۰۲۱*
	کل	۶۱۴/۶۳	۱۱۴			

*معنی‌داری در سطح ۰/۰۵

عملی در سطح پنج درصد تفاوت معنی‌داری وجود داشته است (جدول ۹). Carvalho et al. (2008)، Azizi، Galoway et al. (2005)، Cliatte (2001)، Moghanizadeh (2001) و (2005) نیز به نتایج مشابهی دست یافتند.

تفاوت‌های مشاهده شده با استفاده از آزمون توکی بین دیدگاه دانشجویان ورودی سال‌های ۸۵ و ۸۶ در ارتباط با عوامل ایجاد روحیه کاری و کارآفرینی در مراکز آموزش عالی کشاورزی و برگزاری دوره‌های آموزش کارآفرینی برای مدرسان مراکز آموزش عالی کشاورزی و عوامل اطلاع‌رسانی در مورد وضعیت بازار کار و آینده شغلی، متناسب بودن محتوای دروس با نیاز بازار کار، آموزش‌های مهارت‌های کسب و کار و خوداشتغالی دانشجویان و کفایت آزمایشگاه‌ها، کارگاه‌ها و امکانات موجود برای تجارب عملی بین دیدگاه دانشجویان ورودی سال‌های ۸۵ و ۸۷ مشاهده شده است. در مقایسه با سایر ورودی‌ها، بیشترین تفاوت در دیدگاه دانشجویان ورودی ۸۵ مشاهده گردیده است. در واقع شاخص‌های معنی‌دار شده بیشترین اهمیت را برای دانشجویان ورودی ۸۵ داشته‌اند. این نتیجه از آنجا ناشی می‌شود که دانشجویان ورودی جدید هنوز از جو دبیرستانی فاصله چندانی نگرفته و به طور جدی مسأله اشتغال را مورد توجه قرار نداده‌اند. در حالی که برای دانشجویان سال‌های آخر به این دلیل که در آستانه دانش‌آموختگی و ورود به بازار کار قرار دارند، موضوع اشتغال از اهمیت به مراتب بیشتری برخوردار می‌باشد. از این روست که تأمین نیازهای آنان از طریق آموزش عالی در جهت راه‌اندازی کسب و کار و حضور فعال در فعالیت‌های کارآفرینی برای آنان بسیار مهم جلوه گر شده است.

پس از استفاده از آزمون توکی برای پی بردن به این نکته که دیدگاه دانشجویان کدام رشته‌ها با هم تفاوت داشته‌ند مشخص شد که در خصوص هر دو عامل ایجاد روحیه کاری و کارآفرینی در مراکز آموزش عالی کشاورزی و ایجاد نگرش مثبت نسبت به آینده در دانشجویان تفاوت میان دیدگاه دانشجویان رشته‌های ترویج و زراعت مشاهده شده است. محاسبه میانگین‌ها مبین آن است که دانشجویان رشته ترویج نسبت به دانشجویان رشته زراعت امتیاز بیشتری به شاخص‌های معنی‌دار شده داده‌اند که به معنای اهمیت بیشتر شاخص‌ها برای دانشجویان رشته ترویج می‌باشد. در واقع دانشجویان رشته ترویج و آموزش کشاورزی به دلیل آشنایی نسبی بیشتر با مسائل روانشناختی و نقش داشتن روحیه مثبت در ساختن آینده از جمله عوامل مؤثر بر کارآفرینی محسوب می‌گردند به خوبی از این اهمیت آگاه بوده و امتیاز بیشتری به شاخص‌های معنی‌دار شده داده‌اند در صورتی که ممکن است برای تعداد زیادی از دانشجویان رشته زراعت بعد عملی آموزش‌ها مهمتر باشد.

تفاوت بین دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد در ارتباط با میزان اهمیت هر یک از عوامل مؤثر بر کارآفرینی دانش‌آموختگان بر حسب سال ورودی بین دیدگاه دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد بر حسب سال ورودی در ارتباط با میزان اهمیت عوامل ایجاد روحیه کاری و کارآفرینی در مراکز آموزش عالی کشاورزی، اطلاع‌رسانی در مورد وضعیت بازار کار و آینده شغلی، متناسب بودن محتوای دروس با نیاز بازار کار، آموزش‌های مهارت‌های کسب و کار و خوداشتغالی دانشجویان، برگزاری دوره‌های آموزش کارآفرینی برای مدرسان مراکز آموزش عالی کشاورزی و کفایت آزمایشگاه‌ها، کارگاه‌ها و امکانات موجود برای تجارب

جدول ۹- تفاوت بین دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد در ارتباط با میزان اهمیت هر یک از عوامل مؤثر بر کارآفرینی دانش‌آموختگان بر حسب سال ورودی

ردیف	شاخص‌ها	منبع واریانس	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معنی‌داری
۱	ایجاد روحیه کاری و کارآفرینی در مراکز آموزش عالی کشاورزی	بین گروهی	۳۲/۲۰	۲	۷/۱۴	۴/۶۸	/۰۰۳۷*
		درون گروهی	۲۲۴/۱۱	۱۱۲	۱/۲۷		
		کل	۲۵۶/۳۱	۱۱۴			
۲	اطلاع‌رسانی در مورد وضعیت بازار کار و آینده شغلی	بین گروهی	۲۸/۳۷	۲	۱۲/۱۷	۳/۷۲	/۰۰۱۳*
		درون گروهی	۱۱۶/۲۱	۱۱۲	۱/۷۵		
		کل	۱۴۴/۵۸	۱۱۴			
۳	متناسب بودن محتوای دروس با نیاز بازار کار	بین گروهی	۳۴/۲۳	۳	۱۰/۶۴	۳/۹۰	/۰۰۲۵*
		درون گروهی	۲۹۹/۴۴	۱۱۱	۱/۴۷		
		کل	۳۳۳/۶۷	۱۱۴			
۴	آموزش‌های مهارت‌های کسب و کار و خوداشتغالی دانشجویان	بین گروهی	۲۰/۲۱	۳	۸/۷۷	۲/۳۲	/۰۰۱۷*
		درون گروهی	۳۲۴/۳۲	۱۱۱	۱/۶۴		
		کل	۳۴۴/۵۳	۱۱۴			
۵	برگزاری دوره‌های آموزش کارآفرینی برای مدرسان مراکز آموزش عالی کشاورزی	بین گروهی	۳۲/۱۷	۳	۹/۳۲	۴/۹۱	/۰۰۰۱*
		درون گروهی	۲۵۲/۷۵	۱۱۱	۱/۹۹		
		کل	۲۸۴/۹۲	۱۱۴			
۶	کفایت آزمایشگاه‌ها، کارگاه‌ها و امکانات موجود برای تجارب عملی	بین گروهی	۲۷/۵۴	۳	۸/۴۷	۲/۵۷	/۰۰۲۰*
		درون گروهی	۲۵۱/۳۳	۱۱۱	۱/۱۵		
		کل	۲۷۸/۸۷	۱۱۴			

*معنی‌داری در سطح ۰/۰۵

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

محتوای دروس رشته‌های مختلف دانشگاهی، میزان تناسب محتوای دروس با شغل و نیازهای بازار کار مد نظر قرار گیرد و ضمن تأکید بر مطالب عملی و کاربردی در موضوعات درسی، به انطباق آنها با پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی روز توجه جدی شود.

همچنین تسهیلات بخش‌های اشتغال‌زایی خصوصاً در امر کشاورزی به صورت برنامه‌ریزی شده و از طریق مراجع ذیصلاح به اطلاع دانشجویان برسد تا در طی دوران تحصیل با آینده شغلی و فرصت‌های شغلی موجود آشنا شوند.

لازم است با برنامه‌ریزی‌های لازم، کمک و حمایت دولت، بستر مناسب در هر منطقه با توجه به نیازهای آن منطقه جهت اشتغال دانش‌آموختگان رشته کشاورزی فراهم آید.

پیشنهاد می‌شود از بدو ورود دانشجویان به دانشگاه، آموزش کارآفرینی به صورت ارایه درس دوره‌های آموزشی تحت نظارت مرکز کارآفرینی دانشگاه جهت آشنایی دانشجویان با مفاهیم کارآفرینی و کسب و کار و

در نهایت با توجه به تعداد رو به رشد دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد کشاورزی به عنوان یکی از مهمترین منابع بالقوه انسانی کشور و اهمیت کارآفرینی و ایجاد اشتغال برای این قشر عظیم هم در جهت پاسخگویی به نیازهای درونی و روانی آنان و هم در جهت سرعت بخشیدن به فرآیند توسعه اقتصادی برطرف نمودن مشکلات و چالش‌های آموزش عالی کشاورزی در تربیت دانش‌آموختگانی کارآفرین در این زمان از اهمیت بسزایی برخوردار است.

در این میان به خوبی روشن است که بررسی چالش‌ها و معضلات مذکور از دیدگاه دانشجویان که به طور مستقیم با آنها در ارتباطند می‌تواند به نتایج بهتر و کاربردی‌تری منتهی شده و راه را برای رفع آنها هموارتر نماید. در این راستا و با توجه به نتایج به دست آمده از بررسی دیدگاه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین در خصوص چالش‌ها و مشکلات آموزش عالی کشاورزی در تربیت دانش‌آموختگان کارآفرین توصیه می‌شود در طراحی

کمک به ایجاد روحیه کارآفرینی و افزایش گرایش آنان
به این گونه فعالیت‌ها ارائه گردد.

تدوین برنامه‌های فرهنگی و آموزشی در راستای
بسترسازی و توسعه فرهنگ کارآفرینی در محیط
دانشگاه به منظور تغییر نگرش در دانشجویان از
حرکت‌های مؤثر در این زمینه تلقی می‌شود.

تجهیز آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌ها و استفاده از امکانات
بخش‌های دولتی و خصوصی کشاورزی به منظور تکمیل
آموزش‌های عملی و آشنایی و ارتباط دانشجو با عرصه
واقعی کار و تولید توصیه می‌شود.

REFERENCES

1. Azizi, B. (2005). *Survey of the effective factors in development of the students entrepreneurial morale and skills*. M. Sc. thesis, Tehran University. (In Farsi).
2. Barabadi, S. A. (2008). *Analysis of the cultural, social and educational obstacles in agricultural graduates engagement*. M. Sc. thesis, Tehran University and social security and work institute. (In Farsi).
3. Carvalho, L., Costa, T., Dominginhos, P. & Pereira, R. (2008). Entrepreneurship, methodologies in higher education an experience in a portuguese business school. *MPRA Paper No. 12123*, posted 12. December 2008, p:12.
4. Cliatte, K. (2001). Effective corepesign and assessment for entrepreneurship business education forum. Vol, 55, No. 3, (2001).
5. de Lurdes Calisto, M. & Afonso, V. (2008). Experiential learning activities in undergraduate school: fostering entrepreneurship and employability from the first year. *3rd European Conference on the First Year Experience*, 7th – 9th May 2008, wolverhampton, England.
6. Faraji, M. (2004). Comparison of efficacy and efficiency of Applied Science forever and non forever educational systems. *Auintuplicate congress of higher educational Applied Science*. Shiraz. (In Farsi).
7. Galoway, L. & wendy, B. (2005). Enterprise skills for the economy, education and training.
8. Hemmati, F., Pezeshki rad, Gh. & Chizari, M. (2007). Survey of the vocational situation and success of agricultural education centers graduate in oriental azarbajejan. *Agricultural Education and Extension Science*, 3(1), 1-8. (In Farsi).
9. Khosravipoor, B., Irvani, H., Hosseini, S. M. & Movahed Mohammadi, H. (2007). Identification and analysis of training components of agricultural applied higher education center's students entrepreneurship capabilities. *Iranian Journal of Agricultural Sciences.*, 38-2 (2), 2007, pp: 207-217. (In Farsi).
10. Kivinen, O. & Ahola, S. (1999). Higher education as human risk capital, higher education, printed in Netherlands. 38, (191-208).
11. Moghanizadeh, M. H. (2001). Effective evaluation of Applied Science terms. research and *schematization in higher education*. Tehran. (In Farsi).
12. Mohammadzadeh Nasrabadi, M. (2004). *Survey of Applied Science educations efficacy on the engagement in agricultural sector*. M. Sc. thesis, tarbiat modarres university, Tehran. (In Farsi).
13. Mohammadzadeh Nasrabadi, M., Pezeshkirad, Gh. & Hajimirrahimi, D. (2006). Survey of the efficacy of the educational factors on the vocational potency of the gaduate's Applied Science higher education in agricultural sector. *Iranian Journal of Agricultural sciences.*, 37-2 (2), 173-183. (In Farsi).
14. Moradinejadi, H., Irvani, H., Fami, H., Hosseini, S. M. & Kafi, M. (2008). Analysis environmental effective factors on the entrepreneurs success in greenhouse producer units in iran. *Iranian Journal of Agricultural Science.*, 39-2(1), 19-25. (In Farsi).
15. Salehi Omran, E. (2006). Engagement situation of woman graduate. *research and schematization in higher education*, No. 39. (In Farsi).
16. Shahvali, M. & Noori pur, M. (2007). Effective factors on agricultural studen's viewpoint, courses for guidance volunteer to the agricultural branches. *Agricultural education and extension science*, 3, 1, 55-71. (In Farsi).
17. Soleymanpoor, M. R. and Hoseeini, S. M. (2006). Survey of the obstacles and problems to receive to the entrepreneurship approach in agricultural higher education. Master of science thesis, Tehran, open university, research and science unit. (In Farsi).
18. Wilson, K. E. (2008). *Entrepreneurship Education in Europe*. GV Partners; Ewing Marion Kauffman Foundation ; European Foundation for Entrepreneurship Research (EFER), Entrepreneurship and Higher Education, Chapter 5, OECD, 2008.
19. Zeraatparvar, A. (2004). Survey of the effective factors in Applied Science . *Tertiary national congress of higher educational Applied Science*, Tehran. (In Farsi).